

سوال

من دوست ندارم نزد پزشک مرد بروم، بلکه ترجیح می‌دهم نزد پزشک زن بروم. تنها پزشک زن ماهری که می‌شناسم مسیحی است، و از برخورد او با من احساس خوبی دارم، و میان ما گفتگوهای شکل گرفته است. من نیز هنگامی که با کسی صحبت می‌کنم، بر زبانم جاری می‌شود که برای او دعا کنم؛ می‌گویم: «رَبَّنَا يُكْرِمُكَ» (خداوند گرامی‌ات بدارد)، «رَبَّنَا يُعِزُّكَ» (خدا به تو عزت بدهد)، «رَبَّنَا يُبَارِكْ فِيكَ» (خدا به تو برکت دهد). آیا این دعاها از لحاظ شرعی صحیح هستند یا خیر؟

پاسخ مفصل

الحمد لله.

دعای خیر برای کافر ذمی یا معاهد به دو نوع تقسیم می‌شود:

نوع اول: دعا‌هایی که مربوط به آخرت هستند؛ مانند دعا برای ورود او به بهشت، یا طلب مغفرت و رحمت برایش، یا رهایی از آتش، یا بهره‌مندی از شفاعت پیامبرمان محمد صلی الله علیه وسلم، و دعا‌هایی از این قبیل.

این نوع دعا کردن جایز نیست؛ زیرا خداوند سبحانه و تعالی از آن نهی کرده و فرموده است:

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّ صَحَابَ الْجَحِيمِ [سورة التوبة: ۱۱۳]

[هیچ‌گاه] برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، روا نیست که برای مشرکان آمرزش بخواهند - حتی اگر [آن مشرکان] از خویشاوندان باشند - پس از آن‌که روشن شد آنان اهل دوزخ‌اند).

و در صحیح مسلم (۹۷۶) از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از پروردگارم اجازه خواستم که برای مادرم طلب آمرزش کنم، ولی اجازه نداد».

امام نووی رحمه الله در کتاب المجموع (۵/۱۲۰) گفته است:

«اما نماز خواندن بر کافر، و دعا برای آمرزش او: بر پایه نص صریح قرآن و اجماع، حرام است».

نوع دوم: دعا‌هایی که مربوط به دنیا هستند؛ مانند دعا برای زیادی مال و فرزند، یا دعا برای شفای بیماری، یا دعا برای توفیق و سعادت. و از مهمترین و بزرگترین آن‌ها: دعا برای هدایت است.

این نوع دعا کردن جایز است و هیچ اشکال یا گناهی در آن نیست، و این از چند جهت قابل استناد است:

۱. هیچ نهی درباره آن وارد نشده و اصل در اعمال اباحه است تا زمانی که دلیلی بر منع بیاید.

۲. در سنت آمده است که اگر کافر با لفظی واضح سلام کند، جواب سلام او داده شود. و پاسخ سلام، خود دعایی برای سلامتی و عافیت است. همچنین در سنت جواز رُقِیَّۀ کافر آمده، که رقیه نیز نوعی دعای شفاست؛ این مسئله قبلاً در پاسخ به سؤال شماره (6714) بیان شده است.

۳. این کار باعث الفت قلب آن کافر می‌شود، و این مصلحتی بزرگ و معتبر در اهداف شریعت اسلامی است. پیامبر صلی الله علیه وسلم از یک پسر یهودی بیمار عیادت کرد، او را به اسلام دعوت نمود، و آن پسر مسلمان شد.

۴. نمونه‌هایی از این دعاها از برخی سلف صالح نیز وارد شده است، از جمله:

از عُقْبَةُ بن عامر جُهَنی رضی الله عنه روایت است که از کنار مردی گذشت که ظاهرش شبیه مسلمانان بود، پس سلام داد، و عقبه در پاسخ گفت: «وَعَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». کسی به او گفت: «او نصرانی است». پس عقبه رفت و او را دنبال کرد تا به او رسید و گفت: «رحمت و برکت الله بر مؤمنان است، ولی: خداوند عمرت را طولانی کند، و مال و فرزندان را زیاد گرداند». این روایت را بخاری در الأدب المفرد (۱/۳۸۰) آورده است.

و از حسن بصری نقل شده که گفت: «اگر خواستی به ذمی تسلیت بگویی، بگو: جز خیر برایت نباشد».

ابن‌قیم در کتاب أحکام أهل الذمة (۱/۴۳۸) این روایت را آورده و موارد مشابهی را نیز نقل کرده است.

۵. فقهای مسلمان - رحمهم الله - نیز این نوع دعا را جایز دانسته‌اند. برخی از عبارات آن‌ها:

در کشاف القناع (۲/۱۳۰) از بهوتی حنبلی آمده است:

«جایز است به او گفته شود: خوش آمدی، صبح چگونه بودی؟ یا مانند این‌ها مثل: حالت چطور است؟ و جایز است که مسلمان به ذمی بگوید: خداوند تو را گرمی دارد، خداوند هدایتت کند، یعنی به اسلام. ابراهیم حربی از امام احمد پرسید: آیا می‌شود به او گفت «أَكْرَمَكَ اللَّهُ»؟ امام احمد پاسخ داد: بله، یعنی با اسلام آوردن [گرامی‌ات بدارد]».

و در حاشیه نه‌ایه المحتاج (۱/۵۳۳) و تحفه المحتاج (۲/۸۸) از کتب شافعیان آمده است:

«جایز است برای کافر به مواردی مانند سلامت بدن و هدایت دعا شود».

و مناوی در فیض القدير (۱/۳۴۵) گفته است:

«جایز است که برای کافر نیز به اموری مانند هدایت، سلامت، و عافیت – و نه مغفرت – دعا شود».

بنابراین، هیچ اشکالی در دعای شما برای آن پزشک نصرانی با عباراتی چون: «خداوند تو را گرامی بدارد»، «خداوند تو را عزیز گرداند» وجود ندارد؛ به شرط آنکه منظورتان از این دعاها، کرامت و عزت از جانب خداوند به واسطه اسلام باشد.

از امام احمد بن حنبل رحمه الله پرسیده شد: «آیا مسلمان می تواند به مردی نصرانی بگوید: أَكْرَمَكَ اللهُ؟» فرمود: «بله، منظور از این جمله، کرامت به واسطه اسلام آوردن است». (الآداب الشرعية ابن مفلح: ۱/۳۶۹).

والله أعلم.